



## **Analyzing the reasons for the passivity of government policymaking in knowledge-based companies**

**Pantea Zahrabi<sup>1</sup>, Mohsen Ameri Shahrabi\*<sup>1</sup>, Mohammad Hassan Nasimi<sup>2</sup>, Ehsan Sadeh<sup>1</sup>, Zain al-Abidin Amini Sabegh<sup>3</sup>**

1- Department of Management, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2- Department of Accounting, BL.C., Islamic Azad University, Bandar Lengeh, Iran.

3- Department of Public Administration, Sav.C., Islamic Azad University, Saveh, Iran.

---

### **Abstract**

**Objective:** Increased environmental competition and the emergence of new technologies in the market, which have provided many threats and opportunities for knowledge-based companies, have caused how to create the right policy for the growth and development of these companies to become the main concern of managers and policymakers in this field. Therefore, this study was conducted with the aim of analyzing the reasons for the passivity of government policymaking in knowledge-based companies.

**Method:** In this study, 97 conceptual codes were identified using 18 targeted semi-structured interviews with experts, elites, and managers in the Presidential Vice-President for Science, Technology, and Economy of Knowledge-Based Economy, and after removing and merging similar concepts, sentences and paragraphs related to the research topic were identified and extracted using the content analysis method with a qualitative approach. The concepts were coded at three levels of indicators, components, and main dimensions, and the initial model was designed. A focus group of 6 people from the university was used to validate and classify the factors.

**Findings:** Data analysis ultimately led to the identification of 47 indicators, 24 components, and 10 main dimensions and the formation of a theoretical model. The research findings include identifying factors affecting the policymaking of knowledge-based companies, which, based on the summary of experts' opinions, 10 dimensions have been used as the main foundations of the research. These dimensions include: 1- Infrastructure; 2- Conflicts between government agencies; 3- Pressure from private and trade organizations; 4- Creating cooperation networks with economic centers, universities, and international research centers; 5- Emerging changes and developments in the business environment; 6- Developing comprehensive guidance for policymaking of knowledge-based companies; 7- Cultural climate; 8- Economic actors; 9- Geographical and environmental requirements; 10- Key drivers of innovation.

**Conclusion:** The dimensions and components extracted from the research model are comparable to upstream documents, subject laws, and company laws, so following such a model can be a continuous improvement and development of knowledge-based companies.

**Keywords:** Policy-making, knowledge-based company, policy-making of knowledge-based companies

---

### **Citation:**

Zahrabi,P , Ameri Shahrabi,M , Nasimi,M H , Sadeh,E and Amini Sabegh,Z A . (2026). Analyzing the reasons for the passivity of government policymaking in knowledge-based companies. *Journal of Intelligent Marketing Management*, 7(2), 264-285.

---



## واکاوی دلایل انفعال خط‌مشی‌گذاری دولتی در شرکت‌های دانش‌بنیان

پانتآ زهرایی<sup>۱</sup>، محسن عامری شهرابی<sup>۱\*</sup>، محمد حسن نسیمی<sup>۲</sup>، احسان ساده<sup>۱</sup>، زین العابدین امینی سابق<sup>۳</sup>

۱- گروه مدیریت، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه حسابداری، واحد بندر لنگه، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرلنگه، ایران.

۳- گروه مدیریت دولتی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

### چکیده

هدف: افزایش رقابت محیطی و ظهور فناوری‌های جدید در بازار که تهدیدها و فرصت‌های بسیاری را برای شرکت‌های دانش‌بنیان فراهم نموده، موجب شده است که چگونگی ایجاد خط‌مشی‌گذاری صحیح برای رشد و توسعه این شرکت‌ها به دغدغه اساسی مدیران و سیاست‌گذاران این عرصه تبدیل شود، بنابراین این پژوهش با هدف، واکاوی دلایل انفعال خط‌مشی‌گذاری دولتی در شرکت‌های دانش‌بنیان انجام شده است. روش: در این پژوهش با استفاده از ۱۸ مصاحبه نیمه ساختاریافته هدفمند با متخصصان، نخبگان و مدیران در معاونت علمی، فناوری و اقتصادی دانش‌بنیان ریاست جمهوری ۹۷ کد مفهومی احصا گردید و پس از حذف و ادغام مفاهیم مشابه، جملات و پاراگراف‌های مرتبط با موضوع پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون با رویکرد کیفی مفاهیم شناسایی و استخراج گردید و در سه سطح شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد اصلی کد‌گذاری و مدل اولیه طراحی شد و برای اعتباریابی و طبقه‌بندی عوامل از گروه کانونی به تعداد ۶ نفر از دانشگاه در استفاده شده است. یافته‌های: تحلیل داده‌ها در نهایت به احصای ۴۷ شاخص‌ها، ۲۴ مؤلفه‌ها و ۱۰ بعد اصلی و شکل‌گیری مدل نظری انجامید. یافته‌های پژوهش مشتمل بر شناسایی عوامل مؤثر بر خط‌مشی‌گذاری شرکت‌های دانش‌بنیان است که بر اساس جمع‌بندی نظرات متخصصان در پژوهش از ۱۰ بعد به عنوان پایه‌های اصلی پژوهش بهره گرفته شده است. این ابعاد عبارتند از: ۱- زیرساخت‌ها؛ ۲- تعارضات میان دستگاه‌های دولتی؛ ۳- فشار نهادی خصوصی و صنفی؛ ۴- ایجاد شبکه‌های همکاری با مراکز اقتصادی، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی بین‌المللی؛ ۵- تغییر و تحولات نوظهور در محیط کسب و کار؛ ۶- تدوین راهنمایی جامع برای خط‌مشی‌گذاری شرکت‌های دانش‌بنیان؛ ۷- جو فرهنگی؛ ۸- بازیگران اقتصادی؛ ۹- اقتضانات جغرافیایی و محیطی؛ ۱۰- محرک‌های کلیدی نوآوری. نتیجه‌گیری: ابعاد و مؤلفه‌های استخراج شده از مدل پژوهش با اسناد بالادستی، قوانین موضوع و قوانین شرکت‌ها قابل مقایسه است، بنابراین عمل به چنین الگویی می‌تواند بهبود مستمر و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان باشد.

**کلیدواژه‌ها:** خط‌مشی‌گذاری، شرکت دانش‌بنیان، خط‌مشی‌گذاری شرکت‌های دانش‌بنیان

### استناد:

زهرایی، پانتآ و عامری شهرابی، محسن و نسیمی، محمد حسن و ساده، احسان و امینی سابق، زین العابدین. (۱۴۰۵). واکاوی دلایل انفعال خط‌مشی‌گذاری دولتی در شرکت‌های دانش‌بنیان. مدیریت بازاریابی هوشمند، ۷(۲)، ۲۶۴-۲۸۵.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۱۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

<https://doi.org/JABM.3.2.15564.3515410192>

نشریه مدیریت بازاریابی هوشمند، ۱۴۰۵، دوره ۷، شماره ۲، پیاپی ۳۲

ناشر: نشریه مدیریت بازاریابی هوشمند

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان



## مقدمه

به طور کلی خط مشی عمومی مجموعه فعالیت های حکومتی است که تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم بر زندگی شهروندان دارد (کرفت و فورلانگ، ۲۰۲۰). دولت ها در مقابل گروه ها و طبقات اجتماعی، تعهدات و الزاماتی دارند. آنها بوسیله توسعه سرمایه داری، ممکن است منافع طبقات فرودست و کارگران را در قالب بعد اجتماعی-اقتصادی حقوق شهروندی، به قهقرا اندازند یا برعکس، افزایش رفاه عمومی ممکن است هزینه های سنگینی بر دولت تحمیل کند و سرعت رشد اقتصادی را کند سازد (آدایو و اولاه، ۲۰۲۳). سیاست گذاران اقتصادی جهت تأثیرگذاری بر اقتصاد در جهات مورد نظر و نیل به اهداف اقتصادی، نظیر رشد اقتصادی و اشتغال کامل، از سیاست های اقتصادی متعددی بهره می برند. بنابراین، آنها باید آگاهی هر چه دقیقتری نسبت به میزان استفاده از ابزارهای سیاستی که آنان را به اهداف مورد نظر سوق می دهد و نتایج سیاست های اتخاذی خود داشته باشند (والاس و همکاران، ۲۰۲۰). در اقتصاد امروز، در حالی که جوامع بشری با شتاب بی سابقه ای به سمت جامعه دانشی پیش می روند، شواهد و روندهای جهانی حاکی از آن است که رقابت پذیری کشورها به توانایی آنها در ایجاد، به کارگیری و انتقال دانش به ویژه دانش فناورانه بستگی دارد. در این میان بازیگران اصلی اقتصادهای مبتنی بر دانش شرکت های دانش بنیان هستند. تجربه کشورهای مختلف نشان می دهد که این شرکت ها در توسعه فناوری، رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال مولد نقش اساسی دارند و به گفته اکثر صاحب نظران زیربنای اقتصاد دانش بنیان به شمار می روند (مسا، ۲۰۰۹).

در حقیقت کسب و کارهای دانش بنیان نقش مهمی در اثربخشی تولید، تبلور دانش در محصولات و خدمات جدید، ارتقاء سطح اقتصاد و رفاه و تولید ثروت و ارزش افزوده در یک جامعه ایفا می کنند و حرکت به سوی نوآوری و ایجاد تغییر در ترکیب محصولات و خدمات در قلمرو فعالیت های یک شرکت دانش بنیان قرار دارد. در واقع کسب و کارهای دانش بنیان مبتنی بر نشر، اشاعه و استفاده از اطلاعات، دانش و خلق آن را بنا می نهند. این کسب و کارها بیشتر از سایر شرکت ها خود را با تغییر و تحولات نوظهور در محیط کسب و کار همگام نموده و برای بقا در محیط های رقابتی تلاش می کنند (داویس، ۲۰۰۹).

با گذشت بیش از یک دهه از شروع اجرای «قانون حمایت از شرکت ها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری سازی نوآوری ها و اختراعات» مسأله ارزیابی میزان دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده این قانون، و تحلیل کیفیت دستاوردها، و آثار مثبت و منفی آن، بر جامعه هدف، از اهمیت بسزایی برخوردار است (برخوردار و همکاران، ۱۴۰۴).

واضح است که پیشرفت های دولتی و صنعتی در عصر کنونی طی یک دهه اخیر، حاصل خروجی مؤثر شرکت های دانش بنیان بوده است. این شرکت ها در قالب های متعددی ایجاد شده و توسعه یافته اند، اما در ایران شرکت های دانش بنیان با مشکلات و مانع مختلفی مواجه هستند. عواملی مانند قوانین سخت و دست پاگیر، عوامل سیاسی ناشی از تحریم ها، کمبود دانش فنی روز، عدم بروز دانش نیروی انسانی، مشکلات مربوط به تجار و بازاریابان و حتی عوامل فرهنگی را می توان از این موانع عنوان کرد.

از طرفی، یکی از مهمترین مسائلی که باعث شده اهداف تعیین شده در برنامه ها و خط مشی گذاری حوزه شرکت های دانش بنیان محقق نشود، مشخص نبودن حدود وظایف و اختیارات سازمان ها است. علارغم تدوین قوانین و دستورالعمل های بی شمار در حال حاضر،

<sup>1</sup> Kraft & Furlong

<sup>2</sup> Adebayo & Ullah

<sup>3</sup> Wallace et al

<sup>4</sup> Messa

<sup>5</sup> Davis

راهنمایی جامعی برای خط مشی گذاری در این زمینه، وجود ندارد. از طرفی، چنانچه دولتی خوهان بهبود و پیشرفت باشد باید زیرساخت‌های مورد نیاز را برای شرکت‌های موسسات دانش بنیان خود فراهم سازی نماید. در همین راستا این پژوهش با هدف واکاوی دلایل انفعال خط‌مشی گذاری دولتی در شرکت‌های دانش‌بنیان انجام شده است.

### پیشینه تجربی

#### خط‌مشی گذاری دانش بنیان

فرآیند خط‌مشی گذاری مجموعه ای از اقدامات عقلانی است که طی فرایندی به انجام رسیده اند که متشکل از اقدامات لزوماً سیاسی است. این اقدامات سیاسی را می توان به عنوان فرآیند سیاست گذاری قلمداد نمود و آن را همچون مجموعه ای از مراحل زمانبندی شده ی به هم مرتبط مجسم کرد: تهیه دستور کار، تدوین و تنظیم سیاست، اتخاذ سیاست، تحقق سیاست و برآورد و ارزیابی سیاست (بروئر و همکاران، ۲۰۲۳).

موفق ترین خط مشی ها آنهایی هستند که نه تنها به اهداف اولیه خود دست می یابند، بلکه با ایجاد ظرفیت تغییر در دولت، زمینه را برای توسعه آتی خط مشی و حال فوری مسائل عمومی فراهم می کنند (اندروز و همکاران، ۲۰۲۲).

اجرا به عنوان یک بازی سیاسی معرف است (ساگر و هینترلایتنر و همکاران، ۲۰۲۲). و اجرای خط مشی عمومی را می توان به مثابه هنر موفقیت در یک بازی راهبردی دانست که موفقیت در آن مستلزم رعایت قواعد خاصی است. پرسمن و ویلداوسکی بژ نقش حیاتی منابع کافی در اجرای موفق خط مشی تأکید دارند، و معتقدند مهارت هایی چون ائتلاف سازی، مذاکره، متقاعدسازی، مدیریت بحران و تصمیم گیری در شرایط عدم اطمینان، همراه با برنامه ریزی دقیق، عناصر کلیدی این بازی پیچیده هستند (برنتون و همکاران، ۲۰۲۳).

در خصوص اجرای خط مشی های عمومی، دو رویکرد متمایز وجود دارد. رویکرد بالا به پایین، مبتنی بر تفکیک سیاست از اداره، اختیار تعیین اهداف را به خط مشی گذران می سپارد و اجرای موفق را منوط به پیروی از سازوکارهای مشخص می داند. در مقابل، رویکرد پایین به بالا، با تمرکز بر مشکلات واقعی جامعه، صلاحیت تشخیص را به بوروکرات های سطح عملیاتی می دهد که به واسطه ارتباط مستقیم با مردم، درک عمیق تری از نیازهای ارباب رجوع دارند (چانگ و همکاران، ۲۰۲۲). رویکرد پایین به بالا در اجرای خط مشی های عمومی، بر فرآیند مذاکره و دستیابی به اجماع استوار است. در این دیدگاه، مسائل عمدتاً توسط افرادی که در نزدیکترین سع تما با مشکلات قرار دارند حل می شود، و نقش خط مشی گذاران به جای تصمیم گیری مستقیم، به هدایت گری و ایجاد بستر مناسب برای بهره گیری از مهارت ها و قضاوت های کارگزاران محدود می شود (اورگیل و همکاران، ۲۰۲۴).

با اجرای خط مشی، فرآیندهای عملیاتی، خاتمه نمی پذیرد، بلکه مرحله دیگر، یعنی ارزشیابی اقدامات انجام شده، جهت پاسخگویی به مشکل، باید به دقت، به اجرا گذاشته شود. در این زمینه، اهداف، مأموریت‌ها، مقاصد و راهبردهای سازمان و مشکل احساس شده، توسط شهروندان، می تواند راهنمای مدیران، در این امر مهم، باشد که مطمئن شوند، ضمن تحقق اهداف سازمان، قادر بوده اند که

<sup>1</sup> Breuer et al

<sup>2</sup> Andrews

<sup>3</sup> Sager & Hinterleitner

<sup>4</sup> Pressman & Wildavsky

<sup>5</sup> Brenton, Baekkeskov & Hannah

<sup>6</sup> Chang

<sup>7</sup> Orgill, Marchal, Harris, & Gilson

مشکل ارباب بر جوع را به طور کلی، بر طرف نمایندند (کارلوس و سرجیو ۲۰۱۹). علی رغم گذشت چندین دهه، از شروع مطالعات ارزشیابی خط مشی، و طرح دیدگاه ها و نظریات گوناگون، توسط صاحب نظران مطرح، در این حوزه، به نظر می رسد، همچنان ادبیات این حوزه، از تکرار محتوایی گسترده های، هم در سطح اصول و مبانی و هم در لایه ابزارها، و روش ها، برخوردار است. به گونه ای که برخی صاحب نظران، معتقدند متناسب با اقتضانات زمین های، جغرافیایی و سیاسی خاصی که در آن یک خط مشی در حال ارزش یابی است، لازم است تا سبک ارزش شیایی اختصاصی ویژه ی طراحی و به اجرا، گذارده شود (دی فرانچسکو و پتین و ۲۰۲۱). خط مشی گذاری دولتی در حوزه دانش بنیان در ایران به دلایل متعدد هنوز به سطح لازم اهمیت و تأثیر گذاری نرسیده است. تعدادی از مسئولان ممکن است آگاهی کافی نسبت به ضرورتها و مزایای اقتصاد دانش بنیان نداشته باشند و این موضوع باعث می شود که این حوزه در اولویت های سیاست گذاری قرار نگیرد. تعداد زیاد نهادهای دولتی و خصوصی که در حوزه دانش بنیان فعالیت می کنند، بدون یک هماهنگی منسجم، می تواند باعث پراکندگی و عدم اغنای سیاست ها شود. این مسأله می تواند منجر به تداخل در وظایف و ضعف در اجرای برنامه ها گردد. کاهش سرمایه گذاری های دولتی و ناطمینانی اقتصادی باعث میشود تا حمایت های لازم از استارتاپ ها و شرکت های دانش بنیان به درستی انجام نشود. در نتیجه، عدم تخصیص منابع کافی می تواند از رشد این بخش جلوگیری کند. زیرساخت های فنی و پژوهشی نظیر آزمایشگاه ها، پارک های علم و فناوری و مراکز نوآوری به طور کافی در ایران توسعه نیافته و این امر مانع از بروز نوآوری و پیشرفت در حوزه دانش بنیان می شود.

در برخی موارد، جامعه ممکن است به کارآفرینی و نوآوری به عنوان انتخاب های شغلی با ارزش کمتری نگاه کند. این موضوع می تواند تأثیر منفی بر جذب سرمایه انسانی و انگیزه های لازم برای شروع کسب و کارهای دانش بنیان بگذارد. وجود قوانین حمایتی به تنهایی کافی نیست. عدم اجرای مؤثر این قوانین و وجود بوروکراسی های پیچیده می تواند به مانع جدی در توسعه فعالیت های دانش بنیان تبدیل شود. تغییرات سیاسی و ناپایداری های اجتماعی می توانند باعث ایجاد ناطمینانی و تردید در سرمایه گذاران و کارآفرینان شوند و از این رو تمایل آنها به ورود به حوزه دانش بنیان را کاهش دهند. به طور کلی، برای افزایش اهمیت خط مشی گذاری در حوزه دانش بنیان در ایران، نیاز به یک رویکرد جامع و هماهنگ میان تمام نهادها و بخش های مختلف جامعه است که بتواند موانع موجود را شناسایی و بر طرف کند (ابراهیم پور و همکاران، ۱۴۰۳).

### شرکت های دانش بنیان

پایدارترین اقتصادها در جهان مربوط به اقتصادهای دانش محور است و در این میان شرکت های کوچک دانش بنیان موتور محرک و توسعه این اقتصادها هستند (کمیته اقتصادی سازمان همکاری های اقتصادی آسیا اقیانوسیه) شرکت های دانش بنیان سهم به سزایی در تولید ناخالص داخلی و ایجاد ارزش افزوده برای کشورها دارند (ذوالفقار زاده و همکاران، ۱۳۹۵). این شرکت ها با تأکید بر سرمایه دانشی و ارائه محصولات و خدمات نوآورانه مبتنی بر فن اوری برتر، نقش مهمی در توسعه اقتصادی کشور ایفا می کنند (نصری، ۱۴۰۱). در دنیای پر تحول امروزه زیربنای اقتصادهای صنعتی، از محوریت منابع به سمت محوریت سرمایه های فکری جابه جا شده و به همین دلیل عامل دانش به صورت روز افزون بر اهمیت تر می شود. در چنین شرایطی شکل جدیدی از شرکت ها مورد نیاز است؛ شرکت هایی که به عنوان سامانه های مبتنی بر دانش شناخته شده و به اصطلاح شرکت های دانش بنیان نامیده می شوند و عاملی

<sup>1</sup> Candido Carlos & Sergio

<sup>2</sup> De Francesco, & Patty

حیاتی برای توسعه اقتصادی در یک کشور هستند. در واقع این شرکت ها موتور رشد و توسعه محسوب می شوند (مروتی شریف آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱).

با توجه به توسعه و تنوع محصولات شرکت ها و نیز رقابت شدید میان آنها، شرکت ها در معرض تحول و دگرگونی بوده، موفقیت نهایی و بقای شرکتی در گرو استفاده از الگوهای مناسب قرار داشته است تا مزیت رقابتی برای شرکت ایجاد کند. شرکت های دانش بنیان باید به اندازه کافی انعطاف پذیر باشند تا هم تهدیدات غیرقابل پیش بینی و هم فرصت های موجود در آینده نامطمئن و محیط بی ثبات را مدیریت کنند (بیرکینشاو و گوپتا، ۲۰۱۳: ۲۸۰). همچنین جهانی شدن اقتصاد، رقابت در حال رشد، لزوم بهره وری عملیاتی، ترویج فرصت ها و چالش های جدید در مدیریت و کل شرکت ها موجب شده است، شرکت ها به طور فزاینده ای در شبکه های گسترده ای از تامین کننده به تولید و ارائه محصولات و خدمات به مشتریان تکیه کنند و حرکت به سوی تامین نیاز جامعه و مشتریان به عنوان یک مزیت رقابتی برای شرکت ها و واحدهای کسب و کار محسوب می شود (فتحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۵). در این میان شرکت های دانش بنیان موتور توسعه و ایجاد چنین تحولی محسوب می شوند.

از این رو در کشور ما اخیرا شرکت های دانش بنیان کانون توجه مسئولین کشور قرار گرفته اند. بسته های مختلف حمایتی، تسهیلات مالی، معافیت های مختلف، ابلاغ سیاست ها و تصویب قوانین و آیین نامه های تسهیل کننده همگی نتایج چنین رویکردی در بین سیاست گذاران و دولت مردان کشور است اما نکته بسیار مهم در این میان، عدم شناسایی شاخص های مناسب برای عملکرد بهتر شرکت های دانش بنیان است. مسائل مربوط به دانش بنیان با راه حل های دیروز قابل حل نیستند و پیش بینی آینده، مشکلات آتی را حل نمی کنند. باید برای پیشرفت آینده اقداماتی انجام داد. در شرایط محیطی و قواعد بازی رقابت، که تا حدی مبهم و پیچیده، پویا و نامطمئن گردیده اند دیگر شرکت های دانش بنیان نمی توانند با تغییرات اندک به نتایج دلخواه مورد نظر برسند، بنابراین برای رسیدن به موفقیت داشتن یک الگوی خط مشی گذاری ضروری به نظرمی رسد (الیاسی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۷).

شرکت های نوآور جدید اغلب به عنوان محرک های کلیدی نوآوری و ایجاد مشاغل جدید در نظر گرفته می شوند. با این حال، بسیاری از آنها فاقد منابع داخلی از جمله سرمایه مالی، انسانی و اجتماعی هستند. همچنین، آنها به دلیل جوان بودن و کوچک بودن با موانع بیشتری نسبت به شرکت های بزرگتر با تأسیسات و زیرساخت های بهتر روبرو هستند (لوکست و همکاران، ۲۰۱۹). در شرکت های دانش بنیان، موضوع نوآوری از اهمیت بالایی برای توسعه و پایداری این شرکت ها برخوردار است. به عبارت دیگر، شناخت ویژگی های فرآیند نوآوری از لحاظ اقتصادی نیز ضروری است. در خصوص فرآیند نوآوری، مدل های مختلفی وجود دارد که به صورت تکاملی و طی چندین نسل ارائه گردیده است. روند تکاملی این مدل ها عبارتند از مدل خطی که نسل اول مدل نوآوری است؛ بر اساس مدل خطی، نقطه آغاز نوآوری، فعالیت تحقیق و توسعه است.

نسل دوم مدل های فرآیند نوآوری، مدل کشش تقاضا نامیده شده است که در این مدل، نوآوری به نیاز مشتریان پیوند داده شده و به مفهوم پاسخ به تقاضا و نیازهای بازار بود. در مدل های تعاملی نظیر مدل زنجیره پیوند، که به عنوان نسل سوم مدل های نوآوری شناخته می شوند، ایده های جدید می توانند از هر بخشی از شرکت ظهور کنند و در نتیجه بر ضرورت تشدید پیوند بین واحدهای مختلف آن کسب و کار تأکید می شود. در اواسط دهه ۸۰، سازماندهی مبتکرانه ژاپنی ها در بنگاههای تولیدی، هدایت گر نسل جدیدی (نسل چهارم)، تحت عنوان مدل های یکپارچه شد. مدل های یکپارچه بر همپوشانی فعالیت های مختلف تحقیق و توسعه، بازاریابی، توسعه

<sup>1</sup> Birkinshaw & Gupta

<sup>2</sup> Lukes et al

محصول، تولید و غیره تأکید دارند. از دهه 90، نیز توجه دانشمندان از یکپارچه سازی به شبکه بندی، تغییر جهت داد. در این دهه، مدل های نظام مند نوآوری به عنوان نسل پنجم مدل های نوآوری ظهور کرد. ایده اصلی این مدل ها این است که نه تنها تعامل و به اشتراک گذاری دانش بین واحدهای مختلف بنگاه ضروری است؛ بلکه پیوند با سایر منابع دانش، نظیر سایر بنگاه ها، دانشگاه ها، مراکز پژوهشی، کاربران و تأمین کنندگان نیز اساسی محسوب می شوند. سپس از تعامل و اشتراکات، مؤلفه های دانش و یادگیری، پیشگام مدل های نسل ششم معرفی شدند. در واقع، یادگیری سریع، به عنوان مهمترین منبع مزیت رقابتی بنگاه، مورد توجه دانشگاهیان قرار گرفت و بر مدل نوآوری تأثیر گذاشت (رزاززاده طوسی و همکاران، ۱۴۰۰).

اقتصاد دانش بنیان سالیان متمادی در سخنان مسئولین کشور و اسناد بالادستی دیده می شود و مؤلفه ی حرکت به سمت بهبود تولید شرکت های دانش بنیان به کلیدواژه اصلی سیاست های اقتصادی بدل شده است. عوامل حیاتی موفقیت، خصوصیات، موقعیت ها و یا متغیرهایی هستند که اگر به درستی نگهداری، پشتیبانی و مدیریت شوند، می توانند در موفقیت شرکت در بازار رقابتی نقشی بسیار مهم داشته باشند. بعضی از محققین عوامل موفقیت را پارامترهایی می دانند که برای حصول اطمینان از موفقیت مستمر سازمان لازم بوده و نشاندهنده حوزه های مدیریتی هستند که می بایست مورد توجه کافی واقع شوند تا سازمان به سطح مناسبی از عملکرد نائل آید (سویا-برناردو و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین بعضی دیگر از محققین نیاز عوامل کلیدی موفقیت را ابزاری برای اندازه گیری عملکرد سازمان در مسیر نیل به اهداف خود معرفی می نمایند. عوامل کلیدی موفقیت، تا اندازه زیادی در موفقیت یک شرکت در حال رقابت در یک حوزه و یا صنعت خاص اثر دارند؛ با این شرط که متغیرها، شرایط و ویژگی ها به خوبی حفظ، نگهداری و یا مدیریت شوند (کومار و همکاران، ۲۰۲۳).

مطالعه نصری (۱۴۰۱) نشان می دهد که باوجود نقش مهم شرکت های دانش بنیان در رشد اقتصادی، این نوع شرکت ها با مشکلات مختلف در حوزه های زیرساخت، آموزشی، قوانین و سیاست گذاری های دولتی، عدم حمایت کافی، وجود تبعیض، بازاریابی و فروش محصولات و خدمات مواجه هستند. شرکت های دانش بنیان ایرانی با مشکلات مختلفی در حوزه های قوانین و سیاست های سخت و پیاگیر دولتی، سیستم تربیتی نامناسب نیروی انسانی، بازاریابی و فروش محصولات مواجه هستند. سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (۲۰۲۰) معتقد است دولت ها می توانند از طریق به روزرسانی و اصلاح مستمر چارچوب های قانونی و نهادی، طی انجام فعالیت های نوآورانه، از نوآوری ها حمایت کرده و بدین ترتیب در پرورش نوآوری نقش مستقیم تری ایفا کنند. به طور کلی، دولت ها در کشورهای توسعه یافته، ضمن ایجاد زیرساخت های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مورد نیاز در راستای تحقق اقتصاد دانش بنیان، با تدوین و اجرای خط مشی های حمایتی مناسب در حوزه تجاری سازی اختراعات، نقش تسهیل کنندگی خود را در این زمینه، به خوبی ایفا کرده اند (قلی پور، ۱۳۹۹: ۱۲۱). پس شکوفایی و رونق شرکت های دانش بنیان، باعث نیل کشورها به سمت اقتصاد پایدار، دانش محور و پیشرو خواهد شد.

### پیشینه تجربی

برخوردار و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی به «ارائه مدل ارزش یابی خط مشی حمایت از شرکت ها و مؤسسات دانش بنیان» پرداختند. پژوهش حاضر، با هدف ارائه مدل ارزش یابی خط مشی حمایت از شرکت ها، و مؤسسات دانش بنیان، انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، کیفی، و بخش اسناد، طرح ها، متن قانون، آئین نامه ها، دستورالعمل ها، مکاتبات و دستورات اداری مرتبط با این قانون، و بخش

<sup>1</sup> Sevilla-Bernardo et al

<sup>2</sup> Kumar et al

مدیران، کارشناسان متخصص، سیاست‌گذاران و مجریان این خط‌مشی را شامل می‌شود. گردآوری داده‌ها، به روش اسنادی-کتابخانه‌ای و میدانی، از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، با خبرگان دانشگاهی، و اجرایی حوزه خط‌مشی‌گذاری، انجام پذیرفته است. نمونه‌گیری، به روش گلوله برفی و هدفمند، انتخاب، و با اخذ نظر پانزده نفر از خبرگان، به اشباع نظری، دست یافته است. تحلیل داده‌ها، به روش تحلیل مضمون، و به کمک نرم‌افزار اطلس تی نسخه ۷، صورت گرفته است. بر اساس نتایج، ۳۶۳ مضمون پایه، ۳۲ مضمون سازمان‌دهنده و ۹ مضمون فراگیر، شناسایی و در قالب مدلی، با سازه‌های کلیدی؛ کارکردهای خط‌مشی، ویژگی‌های مطلوب، ساختار ارزش‌یابی، عوامل محیطی، زمان‌بندی ارزش‌یابی، تناسب، کارایی، اثربخشی و فایده‌مندی ارائه شده است.

شریعت نژاد (۱۴۰۳) پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل کلیدی موفقیت در رشد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان با رویکرد سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری مدیریتی با روش نقشه شناخت‌فازی» انجام دادند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل کلیدی موفقیت در رشد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان با رویکرد سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری مدیریتی با روش FCM انجام پذیرفت. این پژوهش در زمره تحقیقات کاربردی است که با رویکرد توصیفی و اکتشافی انجام شده و از نظر داده‌های گردآوری شده دارای ماهیت آمیخته به صورت کیفی و کمی و از نظر فلسفه تحقیق دارای رویکرد قیاسی استقرایی است. جامعه آماری پژوهش، خبرگان هستند که بر اساس اصل کفایت نظری ۳۰ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کمی پرسشنامه و در بخش کیفی مصاحبه است که روایی و پایایی آن‌ها به ترتیب با روش روایی محتوایی و بازآزمون برای پرسشنامه‌ها و روایی نظری و پایایی درون کدگذار میان کدگذار برای مصاحبه‌ها، تایید شد. روش تحلیل در بخش کیفی روش تحلیل محتوا و کدگذاری با نرم‌افزار Atlas.ti است و در بخش کمی پژوهش تحلیل داده‌ها با رویکرد FCM انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ارائه انواع برنامه‌های حمایتی موثر مانند معافیت کامل مالیاتی، تخصیص اعتبار مالیاتی و سیاست‌گرفت تحقیق و توسعه، افزایش سطح تسهیلات صندوق نوآوری و شکوفایی، حمایت گسترده مالی و عملی از طرح‌های بنیاد‌نخبگان و صندوق حمایت از فناوران و تشکیل کوریدور علمی و فناوری، مهمترین عوامل توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان هستند.

در خصوص پژوهش‌های خارجی شاه‌مرادی و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی تحت عنوان «طراحی مدلی برای تعیین سطح پیچیدگی فناوری فعالیت‌های تحقیق و توسعه در شرکت‌های دانش‌بنیان» به این نتیجه دست یافتند که دستیابی به فناوری پیشرفته به عنوان یک مقوله محوری در نظر گرفته می‌شود که شامل متغیرهای تازگی فعالیت، خلاقیت فعالیت، عدم قطعیت نتیجه، سیستماتیک بودن، قابلیت انتقال نتایج، سرعت توسعه، ارزش افزوده فناوری، متمایز بودن از رقبا و اعتبار است.

صمدی و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر قابلیت‌های سازمانی بر عملکرد بین‌المللی شرکت‌های دانش‌بنیان» به این نتیجه دست یافتند که قابلیت‌های بازاریابی، سازماندهی و تحقیق و توسعه به طور معناداری بر عملکرد بین‌المللی شرکت‌های دانش‌بنیان صادرکننده مواد شیمیایی تأثیر گذارند.

ابراهیم‌پور و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی به «الگوی آسیب‌شناسی خط‌مشی‌گذاری دولتی در حوزه دانش‌بنیان» پرداختند. هدف از پژوهش حاضر ارائه الگوی آسیب‌شناسی خط‌مشی‌گذاری دولتی در حوزه دانش‌بنیان بود. روش پژوهش حاضر پژوهش حاضر از نوع کیفی می‌باشد که با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شده است و دارای ماهیت کاربردی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر را نخبگان دانشگاهی و مدیران سازمان‌های دانش‌بنیان در جمهوری اسلامی ایران تشکیل دادند. حجم نمونه مشتمل بر ۲۰ نفر شامل ۱۰ خبره دانشگاهی و ۱۰ مدیر سازمان‌های دانش‌بنیان بودند، که با رویکرد گلوله برفی انتخاب شدند. مصاحبه‌های عمیقی تا نیل به نقطه اشباع

نظری صورت گرفت. جهت گردآوری اطلاعات از ابزار مصاحبه استفاده گردید. داده‌ها به روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که ۱۱۸ مضمون در قالب ۱۰ عامل به عنوان آسیب‌شناسی خط‌مشی‌گذاری دولتی در حوزه دانش‌بنیان‌شناسی شدند که این موارد در محیط نرم‌افزاری مکس-کیودا نشان داده شد. عوامل شناسایی شده عبارت بودند از: (عدم هماهنگی بین نهادها، ضعف در زیرساخت‌های قانونی، منابع مالی ناکافی، آموزش و توسعه نیروی انسانی، نقص در ارزیابی و نظارت، فقدان فرهنگ نوآوری، تحولات سریع فناوری، ارتباطات ضعیف با صنعت، عدم تأمین نیازهای بازار، چالش‌های بین‌المللی. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت از آنجایی که این عوامل به‌طور عمده‌ای بر استراتژی‌ها و سیاست‌های دولتی در حوزه دانش‌بنیان تأثیر گذارند، بنابراین، دولت‌ها باید با استفاده از توانایی‌های بالقوه و نهفته نیروهای انسانی شرکت‌های پیشرو در بحث دانش‌بنیان برای رویارویی با این چالش‌ها خود را مجهز کنند.

صوفی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی به «شناسایی عوامل مؤثر بر تجاری‌سازی محصولات شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری و مراکز رشد» پرداختند. هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر تجاری‌سازی محصولات شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری و مراکز رشد می‌باشد. روش پژوهش با توجه به هدف آن، کاربردی و از حیث شیوه اجرا، کیفی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۲ نفر از صاحب‌نظران و متخصصان حوزه مراکز دانش‌بنیان در استان آذربایجان غربی می‌باشد و نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری بصورت هدفمند انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته صورت گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌های از طریق داده بنیاد و کدگذاری و از نرم‌افزار MAXQDA استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که الگوی طراحی شده با ۱۴ شاخص که شامل شرایط علی (عوامل مدیریتی، عوامل اطلاعاتی، عوامل مالی)، شرایط زمینه‌ای (قوانین و مقررات، قابلیت‌های فناورانه)، مقوله محوری (عوامل بازار، عوامل محصول)، راهبردها (تقویت تعاملات، توانمندی بازاریابی و فروش)، پیامدها (توسعه اقتصادی، اقتصاد دانش‌بنیان، توسعه کارآفرینی)؛ شرایط مداخله‌گر (عوامل فردی، عوامل فرهنگی-اجتماعی)، تبیین‌کننده مؤلفه‌های تجاری‌سازی محصولات شرکت‌های دانش‌بنیان می‌باشد، شناسایی شدند.

براموند و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به «مدل خط‌مشی‌گذاری شرکت‌های دانش‌بنیان با رویکرد سنجش شجاعت سازمانی» پرداختند. ارائه مدل خط‌مشی‌گذاری شرکت‌های دانش‌بنیان با رویکرد سنجش شجاعت سازمانی بوده است. براساس رویکرد تحقیق ترکیبی؛ در مرحله اول، در بخش کیفی با روش نظریه داده‌بنیاد و روش مصاحبه با مدیران، طی ۲۰ مصاحبه تا مرز اشباع نظری، اطلاعات گردآوری و در مرحله دوم تحقیق با ماهیتی کمی، با تکیه بر مدل پارادایمی، پرسشنامه‌ای طراحی و ۴۰ نمونه با نرم‌افزار SmartPLS بررسی و مدل نهایی ارائه شد. بر اساس یافته‌ها، پنج مولفه اصلی و نه مولفه فرعی استخراج شد؛ شرایط علی (ویژگی‌های شخصیتی، انعطاف و تغییرپذیری)، مولفه مداخله‌گر (بافتار سازمانی)، مولفه راهبردها (توسعه منابع انسانی)، مولفه شرایط زمینه‌ای (شجاعت رفتاری، شجاعت گفتاری، شجاعت در اندیشیدن و شجاعت روانی) و در نهایت مولفه پیامدها با زیرمولفه توسعه سازمان. مطابق نتایج شرکت‌های دانش‌بنیان مبتنی بر سرمایه خصوصی و دانش تخصصی افراد، برای پیاده‌سازی خط‌مشی‌های سازمانی باید نظرات تخصصی افراد را شجاعانه دریافت کرده و در تصمیم‌گیری مدیریتی، دخیل کنند.

لایهونن او همکاران (۲۰۲۴) به بررسی پیش برد دانش بنیان به سمت درک شکل گیری دانش در مدیریت دولتی پرداختند و یافته های آنان نشان داد شکل گیری دانش بنیان یک فرآیند اجتماعی است که در آن اطلاعات جمع آوری، تفسیر و به اشتراک گذاشته می شود. با ادغام بینش های علوم اداری، مطالعات سازمانی و علوم سیاسی، بحث های جاری در مورد دانش بنیان گسترش داده می شود. تئوچاریس و سیهرینتزیس (۲۰۲۳) با بررسی نمایندگی و مدیریت دانش به نفع دانش بنیان به این امر دست یافتند که به طور خاص، مفاهیم دانش و مدیریت دانش در قالب وب معنایی با تأکید بر نکات مهم و رهنمودهای کاربرد آنها در بخش عمومی و در حوزه دانش بنیان مورد بررسی قرار می گیرد. ابزارها و کاربردهای فناوری های وب معنایی برای مدل سازی و مدیریت دانش همراه با نمونه هایی از کاربرد آنها در حوزه تخصصی تر دانش بنیان می تواند ارائه شود. همچنین، فناوری ها و روش ها و الگوریتم هایی برای بازیابی دانش از طریق هستی شناسی های پرسوجو با استفاده از ابزارهای وب معنایی پیشنهاد شده اند.

واگنر<sup>۳</sup> همکاران (۲۰۲۳) نشان دادند بیشتر مراجع در در الگوسازی در راستای دانش بیان همسو با عوامل سیاست گذاری رابط های علم سیاست با توجه به مشارکت ذینفعان، پیشینه متنوع کارشناسان، بین رشته ای و ارتباطات پیچیدگی یافت شد. هندرسون (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان زمینه کارآفرینی خط مشی: درک پیدایش راه حل های جدید خط مشی برای نوآوری خدمات در فنلاند و ایرلند پرداخته اند. یافته ها پژوهش شامل: اجرای تحقیقات سیاسی، استفاده از مشاوران متخصص خارجی و شبکه سازی در عرصه داخلی/ بین المللی و تداوم تلاش ها، بود.

رابرتسون<sup>۵</sup> همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی مطالعه پارک علم و فناوری پرداخته اند. بر اساس یافته ها پژوهش، هسته رهبری قوی، محیط توسعه ای، تنوع در مبنای تأمین مالی، مرکز علمی قوی و فرهنگ کارآفرینانه یکپارچه، سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان می تواند پاسخگویی و عملکرد بخش عمومی را بهبود بخشد.

پادیللا پرز و گادین<sup>۶</sup> (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان سیاست های علم، فناوری و نوآوری در اقتصادهای کوچک و در حال توسعه: مطالعه موردی آمریکای مرکزی انجام دادند. ابزارهای سیاستی شناخته شده در این پژوهش عبارتند از: چارچوب نهادی (برنامه ملی علم، فناوری و نوآوری، ارزیابی سیاست های علم، فناوری و نوآوری، فناوری، حقوق مالکیت معنوی، مکانیسم های اداری، سیستم آموزش دولتی: استراتژی ملی، استانداردسازی، سیاست های کیفی، سیاست های تدارکات دولتی) مالی (انگیزه مالی، تامین مالی نوآوری، برنامه هایی برای ارتقای تعامل بین بازیگران سیستم نوآوری، سازمان های رابط بین خصوصی عمومی، انتشار اهمیت و کاربرد علم، فناوری و نوآوری، دستگاه های دولتی).

## روش شناسی پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر در مورد شناسایی عوامل مؤثر بر خط مشی گذاری شرکت های دانش بنیان با رویکردی کیفی است، روش نظر هدف کاربردی از نظر زمان گردآوری داده مقطعی است. در این پژوهش هدف اصلی شناسایی عوامل مؤثر می باشد و به منظور بررسی عمیق و شناخت بیشتر موضوع در زمینه خط مشی گذاری شرکت های دانش بنیان از مصاحبه برای درک بیشتر استفاده شده است. بر این

<sup>1</sup> Laihonon

<sup>2</sup> Theocharis & Tsihrintzis

<sup>3</sup> Wagner

<sup>4</sup> Henderson

<sup>5</sup> Robertson

<sup>6</sup> Padilla-Pérez & Gaudin

اساس ابتدا به بررسی ادبیات در مرحله بعد با استفاده از رویکرد کیفی (مصاحبه نیمه ساختاریافته) ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌ها شناسایی و مدل تحقیق طراحی شده است.

جامعه آماری شامل نخبگان و مدیران در معاونت علمی، فناوری و اقتصادی دانش بنیان ریاست جمهوری می باشد. در مرحله کیفی پژوهش یعنی ساخت مدل پژوهش، برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای استفاده شده است که روشی غیراحتمالی است. در واقع اولین فرد خبره به صورت قضاوتی بر اساس سابقه و تخصص در شرکت‌های دانش بنیان انتخاب شده و سپس از آنها خواسته شد تا به افراد دیگری که شبکه ارتباطاتشان با آن‌ها در ارتباط است، دعوت کند تا در مطالعه شرکت کنند و این فرآیند ادامه می‌یابد تا تعداد کافی از نمونه‌ها جمع شود تا به حد اشباع نظری برسد. در نهایت تعداد نمونه‌ها در این پژوهش از بین جامعه خبرگان تعداد ۱۸ نفر تا رسیدن به حد اشباع نظری انتخاب شدند.

برای طبقه مضامین پژوهش از نظرات گروه کانونی استفاده شد. منظور از پایایی آن است که اگر خصیصه مورد سنجش را با همان وسیله یا وسیله مشابه تحت شرایط مشابه دوباره اندازه‌گیری کرد، نتایج حاصله تا چه حد مشابه، دقیق و قابل اعتماد است. در مرحله آخر روش تحلیل مضمون با بهره‌مندی از گروه کانونی مضامین دسته‌بندی گردید و پایایی ابزار کیفی نیز سنجش شد. اعضای گروه کانونی به صورت هدفمند و بر پایه تخصص علمی و تجربه اجرایی در حوزه شرکت‌های دانش بنیان انتخاب شدند. اعضای گروه کانونی دارای مدرک تحصیلی دکتری مدیریت بیش از ۲۰ سال سابقه خدمت با زمینه تدوین خط مشی شرکت‌های دانش بنیان داشتند. این افراد کارمندان و مدیران اجرایی سازمان مورد مطالعه و دانشگاهیان بود و در مجموع ۶ نفر در این پانل حضور داشتند. در نهایت بعد از برگزاری جلسه‌ها و جمع‌بندی اطلاعات به دست آمده، دسته‌بندی مضامین انجام شد و همه اعضای گروه آن را تأیید کردند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر بوسیله تحلیل مضمون (تحلیل مصاحبه) انجام می‌شود. ابزارهای گردآوری داده‌ها و اطلاعات پژوهش شامل مصاحبه، است. در بخش داده‌های میدانی از ابزار مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با افراد داوطلب برای مشارکت در پژوهش استفاده شده است. برای انجام گیری مصاحبه و یافتن افراد از روش زنجیره‌ای استفاده شده است که در واقع افراد بیشتر از طریق افرادی که با آن‌ها مصاحبه‌های اولیه انجام شده بود، معرفی شدند.

روش‌های مختلفی برای تحلیل مضمون وجود دارد که هر یک از آن‌ها فرایندهای خاصی را دنبال می‌کند. در این پژوهش با ترکیب روش پیشنهادی براون و کلارک (۲۰۰۶) فرایند گام به گام و جامعی جهت تحلیل مضمون عرضه شد. فرایند کامل تحلیل مضمون انجام شده در این پژوهش عبارتند از؛ تجزیه و توصیف متن، تشریح و تفسیر متن، ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن. فرایند تحلیل مضمون زمانی شروع شد که تحلیلگر به دنبال شناخت الگوهای معانی و موضوعات در جمع‌آوری داده‌ها اتفاق بیفتد. نقطه پایان این فرآیند نیز تهیه گزارشی از محتوا و معانی الگوها و مضامین در داده‌ها است. همچنین تحلیل فرآیندی است که طی زمان شکل می‌گیرد و نباید با عجله اجرا شود.

### تحلیل یافته‌ها

تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از مشارکت کنندگان پژوهش، گام اول تجزیه و تحلیل مضامین می‌باشد، در این قسمت یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های کیفی در راستای پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. برای این کار ابتدا یافته‌های بخش کیفی به روش تحلیل مضمون بررسی شد. پس از تحلیل داده‌های کیفی مدل پژوهش ارائه گردیده است.

طبق اطلاعات بدست آمده از مصاحبه ها برای شروع تحلیل مضمون ابتدا تمامی متن دوبار با دقت مطالعه شدند و اطلاعاتی که به نظر می رسید فاقد ارتباط با مسئله پژوهش حذف شدند. سپس متونی که با مسئله پژوهش مرتبط بودند با استفاده از گام های روش تحلیل مضمون تحلیل شدند. در ادامه کدهای مشابه در قالب مضامین مرتب شدند و نحوه ترکیب و تلفیق کدهای مختلف جهت تشکیل مضمون پایه شکل گرفت. علاوه بر اینکه نام اولیه برای مضامین پایه انتخاب شد درباره مرتبط بودن هر یک از این مضامین اولیه با کدهای شناسایی شده، چکیده های استخراج شده و همچنین سؤالات تحقیق بررسی های بیشتری انجام شد. در این مرحله برخی مضامین به علت تشابه با هم ادغام شدند، پس از تحلیل نهایی مضامین پایه و کدها چندین بار مرتب و بازبینی شدند تا در نهایت جمع بندی نهایی حاصل شد. در گام بعدی مضامین هم با استفاده از نظر گروه کانونی نامگذاری مضامین استفاده شد پس از بررسی دقیق، ۱۸۰ کد جدید شناسایی شد. همچنین برای بررسی صحت و اعتبار یافته ها از خبرگان خواسته شد تا نظر خود را درباره مرتبط بودن مضامین شناسایی شده و نحوه نامگذاری مضامین اعلام نمایند. پس از دریافت بازخور از این ۱۸ نفر، مضامین مجدداً مورد بازنگری قرار گرفتند و تغییراتی در نامگذاری و تعداد مضامین ایجاد شد.

## جدول ۱: نمونه ای از جمع‌بندی نظرات تخصصی خبرگان و صاحب‌نظران

### پاسخ مصاحبه‌شوندگان به سؤالات

در عصر کنونی به علت نوسانات ارزی و پولی لازم است خط مشی گذاران و به طور کلی جهت حمایت‌های مالی به شرکت‌های تحقیقاتی دانش‌بنیان، مطابق نیاز خط مشی را تدوین، ترسیم و مصوب کنند. گاه‌به‌گاه به نظر می‌رسد بعضی که قوانین مصوب شده در خصوص شرکت‌های دانش‌بنیاد مروط به سه دهه قبل و حتی بیشتر است که با توجه به ماهیت شرکت‌های دانش‌بنیان و ماهیت به روز بودن و نوآورانه بودن آنها باید هم خط مشی‌هایی به تناسب نیاز امروز تدوین شود و هم اینکه حمایت‌های بیشتری به آنها شود. علاوه بر حمایت مالی، حمایت از نیروی انسانی و جذب نیروی انسانی توانمند و کارآمد و فراهم کردن بستر مناسب برای بروز پتانسیل‌های آنها ضرورتی انکارناپذیر است. حمایت فنی و تکنولوژی نیز مهم به نظر می‌رسد عصر جدید عصر تحول است، عصر تغییر است، عصر تسلط بر اطلاعات است که برای این کار باید تمام زیرساخت‌های فنی و تکنولوژیکی فراهم شود.

در کشور ما متأسفانه به علت باند بازی‌ها و لابی‌گری‌های که در بدنه مرکزی دولتی‌ها هست وجود تعارضات نهادی و همیشگی نیز بین نهادهای دولتی وجود دارد که این تعارضات در شرکت‌های دانش‌بنیاد به علت جنبه جهانی بودن و رقابت‌پذیری بیشتر اثرگذار است و باعث ممانعت از رونق کسب و کارهای دانش‌بنیان شده است، بنابراین اگر می‌خواهیم در شرکت‌های دانش‌بنیاد توسعه محور باشیم و پیشرفت چشم‌گیری داشته باشیم، حتماً باید تعارضات و اختلافات بین دولتی‌ها کم شود و با تعامل و شنیدن صدای همدیگر تعارض را کم کنیم و از شرکت‌های دانش‌بنیان حمایت کنیم.

به نظر می‌رسد تعداد بیشماری نهادهای دولتی غیر کارآمد و غیر مرتبط خود را آویزان شرکت‌های دانش‌بنیان کرده‌اند و این تعدد بی‌شماره نهادهای دولتی و هم‌عرض در شرکت‌های دانش‌بنیان برای سهم‌خواهی کمتر توسعه و بهبود مستمر را در این شرکت‌ها شکسته است و بعید می‌دانم با وضع موجود به جایی برسیم و به نظر می‌رسد باید استراتژی خود را در شرکت‌های دانش‌بنیان عوض کنیم و ناهسویی‌ها و سهم‌خواهی‌های شخصی را به حداقل برسانیم.

فشار خصولتی‌ها برای استفاده ابزاری از شرکت‌های دانش‌بنیان خیلی زیاد شده است و دهه اخیر دولتی‌ها و تسلط دولت و سازمان‌های وابسته به دولت و نهادهای حکومتی بر شرکت‌های دانش‌بنیان و کارخانه‌ها و در کل بنگاه‌های بزرگ اقتصادی زیاد شده است که مورد خصوصی‌سازی قرار گرفته‌اند. به طور کلی از هر دو طرف برای دیکته کردن اقتدار خود، دخالت زیادی در کارهای شرکت‌های دانش‌بنیاد می‌شود. کلاً به نظر می‌رسد خیلی بیشتر از آوردهای خود دنبال سود و منفعت از شرکت‌های دانش‌بنیان هستند.

در نهایت با توجه به پیشنهاد خبرگان و گروه‌کانونی، مولفه‌های استخراج شده با عناوین ذیل، جهت بررسی مولفه‌ها و شاخص‌های خط‌مشی‌گذاری شرکت‌های دانش‌بنیان، مورد ارزیابی قرار گیرد. در ادامه جمع‌بندی نظرات تخصصی خبرگان و صاحب‌نظران را به تفکیک ابعاد و مولفه‌های نهایی آمده است.

پس از کدگذاری اولیه مصاحبه‌ها اولیه شناسائی گردید که پس از بررسی مفاهیم اولیه و حذف مفاهیم غیر قابل استفاده و مفاهیم تکراری، اطلاعات بدست آمده به ۴۹ مفهوم پایه تعدیل گردید، در مرحله بعد کدهای اولیه گردآوری شده از مصاحبه‌ها به علت تعداد فراوانی آنها و قرابت معنایی به کدهای ثانویه و نهایی تبدیل شدند. در ادامه روند تحقیق، هر یک از کدهای نهایی به یک کدمفهومی تبدیل شدند و مفاهیم در طبقه‌های فرعی ساماندهی می‌شود. پس از تعیین ۲۴ طبقه فرعی از مفاهیم بدست آمده، مرحله ساخت طبقات اصلی انجام شد.

جدول ۲: عوامل مؤثر بر خط‌مشی‌گذاری شرکت‌های دانش‌بنیان

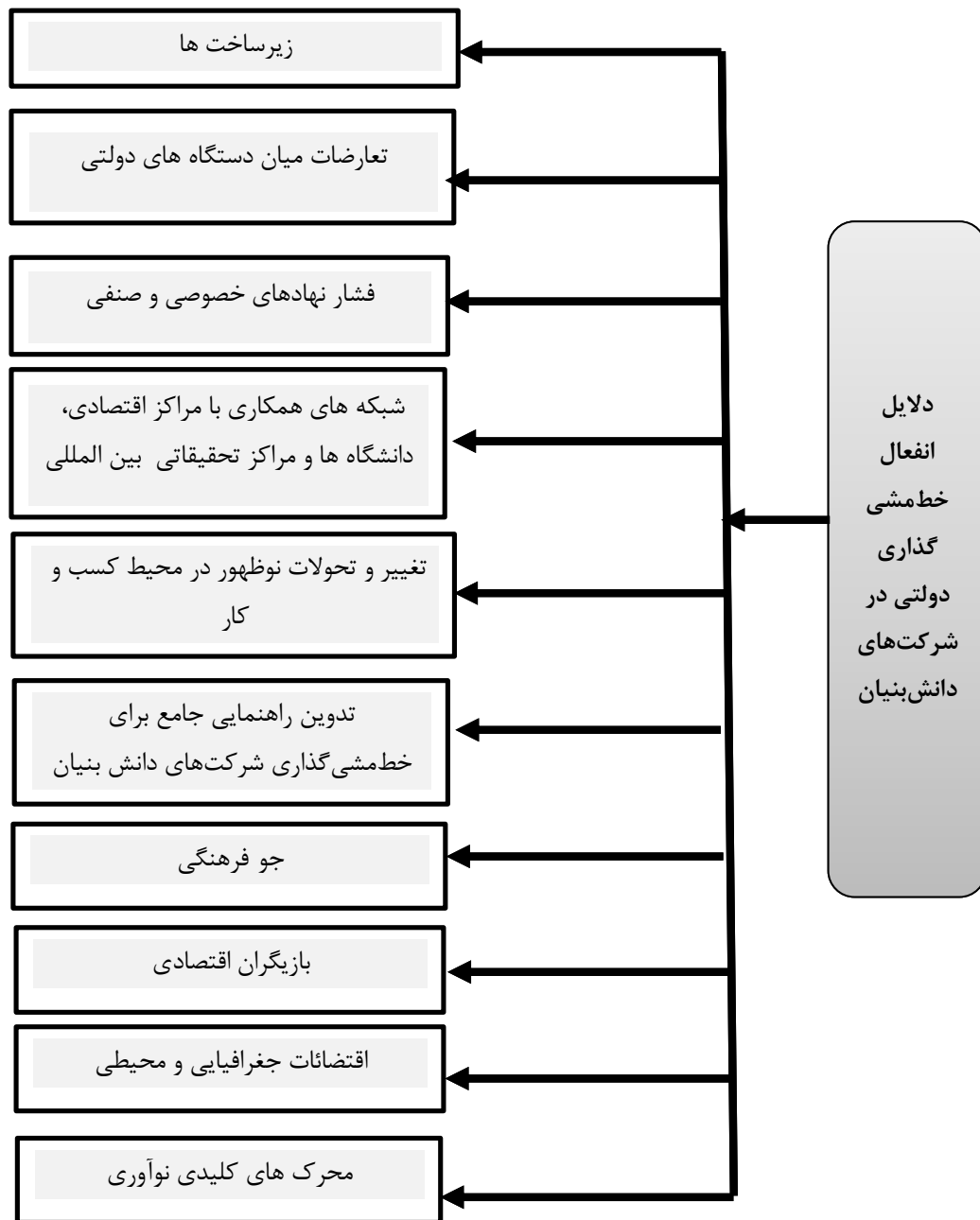
عوامل اصلی	عوامل فرعی	شاخص‌ها
زیرساخت‌ها	برروزرسانی و اصلاح مستمر	اصلاح راهبری قانون
	چارچوب‌های قانونی و نهادی	برروزرسانی نهادی و اصلاح مستمر قانون شرکت‌ها
	ایجاد و تقویت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات	ایجاد زیرساخت‌های فناوری اطلاعات
	ارائه مشوق‌ها و حمایت‌های مالی به شرکت‌ها و نهادهای پژوهشی برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی و توسعه‌ای	تقویت زیرساخت‌های ارتباطات
تعارضات و رقابت‌های مخرب بین دولتی‌ها	تثویث به شرکت‌ها و نهادهای کارهای پژوهشی	تثویث به شرکت‌ها و نهادهای کارهای پژوهشی
	حمایت‌های مالی به شرکت‌های تحقیقاتی	حمایت‌های مالی به شرکت‌های تحقیقاتی
	حمایت‌های مالی و انسانی و فنی از پروژه‌های توسعه‌ای	حمایت‌های مالی و انسانی و فنی از پروژه‌های توسعه‌ای
	وجود تعارضات نهادی و همیشگی بین نهادهای دولتی برای ممانعت از رونق کسب و کارهای دانش‌بنیان	وجود تعارضات نهادی و همیشگی بین نهادهای دولتی برای ممانعت از رونق کسب و کارهای دانش‌بنیان
تعارضات میان دستگاه‌های دولتی	وجود اختلافات ساختاری بین دولتی‌ها به علت رقابت برای جایگاه	وجود اختلافات ساختاری بین دولتی‌ها به علت رقابت برای جایگاه
	کاهش سرمایه‌گذاری‌های دولتی و نااطمینانی اقتصادی	کاهش سرمایه‌گذاری‌های دولتی و نااطمینانی اقتصادی
	تغییرات سیاسی و ناپایداری‌های اجتماعی	تغییرات سیاسی و ناپایداری‌های اجتماعی
	فشار خصولتی‌ها برای دریافت حمایت‌های اقتصادی	فشار خصولتی‌ها برای دریافت حمایت‌های اقتصادی
فشار نهادهای خصوصی و صنفی	فشار خصولتی‌ها برای دریافت حمایت‌های اقتصادی	فشار خصولتی‌ها برای دریافت حمایت‌های اقتصادی
	تعداد زیاد نهادهای دولتی و خصوصی فعال در حوزه دانش‌بنیان	تعدد بی‌شماره نهادهای دولتی و هم‌عرض در شرکت‌های دانش‌بنیان
	تعداد بی‌شماره نهادهای دولتی و هم‌عرض در شرکت‌های دانش‌بنیان	تعدد بی‌شماره نهادهای دولتی و هم‌عرض در شرکت‌های دانش‌بنیان
	وجود نهادهای خصوص در شرکت‌های دانش‌بنیان برای سودآوری و تبلیغات نه‌رقابت‌پذیری سالم و قانونی	وجود نهادهای خصوص در شرکت‌های دانش‌بنیان برای سودآوری و تبلیغات نه‌رقابت‌پذیری سالم و قانونی
شبکه‌های همکاری با مراکز اقتصادی، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی بین‌المللی	اتتلاف‌سازی، مذاکره، متقاعدسازی علمی	اتتلاف با مرکز علمی از طریق مذاکره علمی
	متقاعدسازی برای توانمندی و همکاری در مراکز تحقیقات بین‌المللی	متقاعدسازی برای توانمندی و همکاری در مراکز تحقیقات بین‌المللی
	تقویت همکاری‌های بین‌المللی	تقویت همکاری‌های بین‌المللی
	ایجاد شبکه‌های همکاری با دانشگاه‌ها به منظور انتقال فناوری‌های بروز شده	ایجاد شبکه‌های همکاری با دانشگاه‌ها به منظور انتقال فناوری‌های بروز شده

ایجاد شبکه های بین المللی برای تسهیل دسترسی به منابع علمی و پژوهشی کاربردی	همکاری برای تسهیل دسترسی به اطلاعات و منابع علمی و پژوهشی	
همکاری دو جانبه با مؤسسات موفق بین المللی جهت استفاده از دانش بومی سایر کشورهای موفق در زمینه تولید دانش بنیان	دانش، مهارت و یادگیری مستمر	
یادگیری مستمر برای همراستایی با تغییرات	ایجاد اشتغال مولد	
ارتقا دانش و مهارت برای یادگیری کسی کارهای نوظهور	ایجاد اشتغال مولد	تغییر و تحولات نوظهور در محیط کسب و کار
ایجاد اشتغال مولد		
باور به رونق اقتصادی کسب و کارهای و حمایت از تغییرات مرتبط	تغییر و تحولات نوظهور در محیط کسب و کار همگام برای بقا	
تحولات نوظهور در محیط کسب و کار همگام برای بقا	تغییر و تحولات نوظهور در محیط کسب و کار همگام برای بقا	
پذیرش تغییرات جدید و بروز در کسب و کارهای نو		
یکپارچه سازی تاکتیک های فروش و بازاریابی	ایجاد یکپارچگی در سیستم مدیریت، اجرا و کنترل	تدوین راهنمای جامع برای خط مشی گذاری شرکت های دانش بنیان
استفاده از ظرفیت های قانونی و حمایتی	خط مشی های تنظیمی مناسب	
ساده سازی قوانین و مقررات مربوط به ثبت اختراعات، تأسیس شرکت های دانش بنیان		
تدوین قوانین و دستورالعمل های بی شمار بعنوان راهنمایی جامعی برای خط مشی گذاری		
تشویق نیروهای مستعد و جوان به راه اندازی کسب و کارهای دانش بنیان	تشویق نیروهای مستعد و جوان	جو فرهنگی
ترویج فرهنگ نوآوری برای افزایش رقابت پذیری سالم	ترویج فرهنگ نوآوری	
غنی سازی فرهنگ کسب و کار شرکت های دانش بنیان		
حمایت مالی، فنی، تکنولوژیکی از سرمایه گذاران ریسک پذیر	سرمایه گذاران ریسک پذیر	بازیگران اقتصادی
کمک مادی و معنوی هنگام ورشکستگی های آنی از سرمایه گذاران ریسک پذیر		
فراهم نمودن بسترهای لازم برای بازیگران و سرمایه گذاران خارجی مشتاق	سرمایه گذاران خارجی	
انجام تعهدات نسبت به سرمایه گذاران خارجی		
تعامل بین بازیگران نوآرسانمان های خصوصی		

تعامل بین بازیگران سیستم نوآوری، سازمان های رابط بین خصوصی عمومی	تعامل بین بازیگران رابط سازمان های عمومی
اقتضانات جغرافیایی و محیطی	متناسب با اقتضانات زمین های جغرافیایی
انعطاف در مقابل تهدیدات غیرقابل پیش بینی و فرصت های موجود در آینده نامطمئن و محیط بی ثبات	انعطاف پذیری برابر تهدیدات غیرقابل پیش بینی مدیریت فرصت های موجود در آینده نامطمئن و محیط بی ثبات
محرک های کلیدی نوآوری	پرورش نوآوری تجاری سازی نوآوری
	ایده های نو و ایده های محوری انجام فعالیت های نوآورانه توانمندی بازاریابی و فروش رقابت پذیری و سازماندهی مبتکرانه و نوآورانه در بنگاههای تولیدی

در نهایت پس از مصاحبه با متخصصان ، جملات و پاراگراف های مرتبط با موضوع پژوهش استخراج گردیدند و با رویکرد روش تحقیق کیفی (تحلیل مضمون) دسته بندی شده است. بر اساس گام های روش تحلیل مضمون، برای تحلیل داده، متن مصاحبه ها چندین بار به دقت مطالعه و سپس کد گذاری شد. در ادامه زمانی که همه داده ها کدگذاری شدند مضمون ها شکل گرفت و پس از بازبینی و تعریف آن ها، نتایج در قالب مضمون های پایه، سازمان دهنده و فراگیر دسته بندی گردید.

پس از کدگذاری اولیه مصاحبه ها ۹۸ کد اولیه شناسائی گردید که پس از حذف مفاهیم تکراری و هم مفهوم، مفاهیم اولیه به ۴۷ مفهوم پایه تعدیل گردید. با نظر پژوهشگر و ۵ نفر دکتری مدیریت مضامین به ۴۷ شاخص و ۲۴ مؤلفه فرعی و ۱۰ بعد دسته بندی و مدل اولیه طراحی گردید.



شکل ۱: مدل خطمشی گذاری شرکت های دانش بنیان

## بحث و نتیجه گیری

آنچه انجام پژوهش حاضر را ضرورت می بخشد، شکاف نظری و عملی موجود در خصوص موضوع پژوهش می باشد. بررسی ادبیات نشان داده است که تاکنون پژوهش های متعددی در شرکت های دانش بنیان انجام گرفته است اما تاکنون پژوهشی که به بررسی خط مشی گذاری شرکت های دانش بنیان پردازد، انجام نشده است. بنابراین می توان گفت که پژوهش حاضر از جمله نخستین پژوهش ها در این زمینه می باشد تا مشخص سازد که واکاوی دلایل انفعال خط مشی گذاری دولتی در شرکت های دانش بنیان کدامند و نهادهای خط مشی گذار برای شرکت های دانش بنیان مانند معاونت فناوری ریاست جمهوری، سازمان مدیریت و برنامه ریزی و وزارت صمت برای بهبود رشد و توسعه این شرکت ها چه فعالیت هایی می توانند انجام دهند.

در حقیقت با وجود خط مشی گذاری به روز برای شرکت های دانش بنیان می توان بسیاری از چالش های شرکت های دانش بنیان را از میان برد. با توجه به آنچه ذکر گردید، باید به پژوهش هایی در راستای خط مشی گذاری در شرکت های دانش بنیان مورد بررسی قرار گیرد، تا خلاء پژوهشی در این راستا جبران شده و بتواند در رشد و توسعه این شرکت ها موثر باشد.

مطابق نتایج پژوهش از جمله مشکلات شرکت های دانش بنیان در ایران آماده نبودن محیط رقابت پذیری و تجاری سازی در کشور مطابق نیاز روز می باشد برای تعامل و برقراری ارتباط با جهان و شرکت های کشورهای توسعه یافته و نوآور و به کارگیری اهرم های رقابت پذیری سالم در بخش های مختلف اقتصادی سیاسی است. یکی دیگر از مشکلات شرکت های دانش بنیان، نداشتن زیرساخت های به روز در زمینه فناوری های روز مثل هوش مصنوعی، بلاک چین و اینترنت اشیا است. دیگری از وجود سرمایه گذاران خارجی و داخلی لازم برای توسعه، آموزش و رقابت به آن شکلی که باید استفاده نمی شود یا میزان استفاده از آنها در حد مطلوب برای حرکت به سوی اقتصاد دانش بنیان نبوده است. از طرفی مجموعه ای از شرکت های دانش بنیان در پارک های علم و فناوری و مراکز رشد مستقر هستند که کاربرد خاصی ندارند و هیچ گونه تولید مؤثری ندارند که در این خصوص پیشنهاد می شود دولت در خصوص آنها تدابیری اتخاذ نماید.

بر اساس جمع بندی نظرات متخصصان در پژوهش حاضر، به منظور دلایل انفعال خط مشی گذاری دولتی در شرکت های دانش بنیان ۱۰ بعد به عنوان پایه های اصلی پژوهش بهره گرفته شده است. این ابعاد عبارتند از: ۱- زیرساخت ها؛ ۲- تعارضات میان دستگاه های دولتی؛ ۳- فشار نهادهای خصوصی و صنفی؛ ۴- ایجاد شبکه های همکاری با مراکز اقتصادی، دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی بین المللی؛ ۵- تغییر و تحولات نوظهور در محیط کسب و کار؛ ۶- تدوین راهنمایی جامع برای خط مشی گذاری شرکت های دانش بنیان؛ ۷- جو فرهنگی؛ ۸- بازیگران اقتصادی؛ ۹- اقتضانات جغرافیایی و محیطی؛ ۱۰- محرک های کلیدی نوآوری.

از آن جا که در طراحی الگوی خط مشی گذاری شرکت های دانش بنیان، رویکرد اقتضایی انتخاب شده است، لزوم مراجعه به آرای خبرگان در گیر در فرآیند خط مشی گذاری شرکت های دانش بنیان ضرورتی حتمی به نظر رسید. بنابراین پژوهش میدانی در کنار تحلیل کتابخانه ای اسناد و مستندات در دستور کار پژوهشگران قرار گرفت. لازم به ذکر است تمرکز پژوهش حاضر، بر استخراج دستاوردهای خط مشی های شرکت های دانش بنیان برای همسویی با اقتضانات و شرایط ویژه خط مشی و آثار بلندمدت خط مشی با اهداف خط مشی دانش بنیان مورد نظر بوده است تا بتوان به صورت نظام مند، فایده مندی این قانون را در حل مشکلات شرکت های دانش بنیان پس از یک دوره از اجرای آن، مورد سنجش قرار داد؛ بنابراین از حیث زمان بندی خط مشی گذاری شرکت های دانش بنیان

مورد توجه قرار گرفته و به سایر مراحل اجرای خط مشی نپرداخته است. افزون بر این، به منظور جامعیت پژوهش، سه سطح خط مشی، برنامه ها و پروژه ها در تحلیل داده های کتابخانه ای و میدانی مد نظر قرار گرفته است.

در جمع بندی باید اذعان نمود که عوامل متعددی می تواند شرکتهای تازه تأسیس و نوپا را از گردونه کار و فعالیت خارج کرده و به توقف فعالیت و بقای آنها منجر گردد. از آنجاکه سرمایه زیادی برای حمایت از شرکت های مستقر در آن صرف گردیده، بهتر است تحقیقات لازم به هدف شناسایی چالش های موجود در این بخش ها صورت گیرد تا با کشف و شناخت آنها، برنامه ریزی های هدفمند انجام شده تا هم این چالش ها به حداقل خود برسد و هم از زیرساخت های مذکور، حداکثر بهره وری صورت گیرد و در وهله دیگر نیز به دلایل قابل حل، شرکت های دانش بنیان از کار و فعالیت بازمانند.

بررسی ادبیات پژوهش نشان دهنده ی این واقعیت است که مطالعات تجربی و تحقیقات میدانی در حوزه ی پیاده سازی خط مشی گذاری شرکت های دانش بنیان در کشورهای در مسیر توسعه، از جمله ایران، به حد کفایت انجام نشده است. علیرغم جایگاه محوری خط مشی گذاری شرکت های دانش بنیان در نهادهای خصولتی، تاکنون مطالعه ی مستقلی در زمینه ی پیاده سازی خط مشی گذاری شرکت های دانش بنیان صورت نگرفته است.

## منابع:

- ابراهیم پور، حبیب؛ هاشمی، سیدحامد؛ پناهی، مونا. (۱۴۰۳). الگوی آسیب شناسی خط مشی گذاری دولتی در حوزه دانش بنیان، فصلنامه حکمرانی و توسعه، ۴(۴)، ۱۴۱-۱۰۵.
- الیاسی، مهدی؛ صفردوست، عاطیه، محمد روضه سرا، مریم. (۱۳۹۷). بررسی نقش استراتژی نوآوری بر عملکرد نوآورانه سازمان‌ها (مورد مطالعه: شرکتهای دانش بنیان حوزه زیست فناوری)، اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۲(۱)، ۱۸۳-۲۰۲.
- برخوردار، برنا؛ جهانگیری، علی، حسین گور، داوود. (۱۴۰۴). ارائه مدل ارزش شیایی خطمشی حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان، فرآیند مدیریت توسعه، ۱(۱۳۱)، ۹۷-۱۲۹.
- سمیه، براموند؛ حکاک، محمد؛ سپهوند، رضا؛ اسماعیلی، محمودرضا. (۱۴۰۲). مدل خط مشی گذاری شرکت‌های دانش بنیان با رویکرد سنجش شجاعت سازمانی، خط مشی گذاری عمومی در مدیریت، ۱۴(۵۰)، ۲۹-۱۵.
- ذوالفقارزاده، محمد مهدی؛ هاجری، مهدی؛ افتخاری، حسین. (۱۳۹۵). نقش دیپلماسی علم و فناوری در بهبود چالش‌های شرکت‌های دانش بنیان، فصلنامه رشد فناوری، ۱۲(۴۸)، ۱۰-۱.
- شریعت نژاد، علی. (۱۴۰۳). شناسایی عوامل کلیدی موفقیت در رشد و توسعه شرکت‌های دانش بنیان با رویکرد سیاست گذاری و خط مشی گذاری مدیریتی با روش نقشه شناخت فازی، چشم انداز مدیریت بازرگانی، ۲۲(۵۶)، ۸۴-۱۱۵.
- صوفی، یوسف، میرابی، وحیدرضا، سرور، رحیم. (۱۴۰۳). شناسایی عوامل موثر بر تجاری سازی محصولات شرکت‌های دانش بنیان مستقر در پارک علم و فناوری و مراکز رشد، فصلنامه ارزش آفرینی در مدیریت کسب و کار، ۴(۴)، ۲۴-۴۲.
- رزازاده طوسی، نیکی؛ بذرافشان مقدم، مجتبی؛ یعقوبی، نورمحمد؛ حدادی، ابراهیم. (۱۴۰۰). شناسایی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های الگوی پیشران‌های توسعه شرکت‌های دانش بنیان (مورد مطالعه شرکت‌های دانش بنیان جنوب شرق کشور)، مدیریت بهره وری، ۲۵(۴)، ۲۳-۴۹.
- فتحی، محمدرضا؛ کریمی، تورج، لطف اله زادگان، مهدی؛ خانکی، سمیرا. (۱۳۹۹). بررسی تاثیر زنجیره تامین دوسوتوان به عنوان قابلیت پویا بر کاهش اختلالات و بهبود عملکرد صنعت قطعه سازی، علمی اندیشه آماده، ۱۹(۷۳)، ۱۰۲-۸۱.
- مروتی شریف آبادی، علی؛ عندلیب اردکانی، میرنژاد سیدعلی، جوهری نعیمی، فرزاد. (۱۳۹۸). طراحی مدل ارتقای دوسوتوانی زنجیره تأمین با رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری (مورد مطالعه: صنعت فولاد استان یزد)، ۱۳۱(۱۳)، ۷-۳۵.
- نصری، اسماعیل. (۱۴۰۱). بررسی چالش‌ها و موانع پیشروی شرکت‌های دانش بنیان، فصلنامه تخصصی مطالعات و پژوهش‌های اداری، ۱۵، ۵۴-۵۸.
- Andrews, M. (2022). This is How to Think About and Achieve Public Policy Success. Retrieved from. Adebayo, T. S., & Ullah, S. (2023). Formulating sustainable development policies for China within the framework of socioeconomic conditions and government stability. Environmental Pollution, 328, 121673.
- Breuer, A., Leininger, J., Malerba, D., & Tosun, J. (2023). Integrated policymaking: Institutional designs for implementing the sustainable development goals (SDGs). World Development, 170, 106317.

- Brenton, S., Baekkeskov, E., & Hannah, A. (2023). Policy capacity: Evolving theory and missing links. *Policy Studies*, 44(3), 297315.
- Birkinshaw, J., & Gupta, K. (2013). Clarifying the distinctive contribution of ambidexterity to the field of organization studies. *Academy of Management Perspectives*, 27(4), 287298.
- Chang, A. (2022). A formal model of streetlevel bureaucracy. *Rationality and Society*, 34(1), 627.
- Davis, S. Becoming a, (2009), knowledgebase business, *International Journal of Technology Management*, 14(3), 6073.
- De Francesco, F., & Pattyn, V. (2021). Policy evaluation styles. In: M. Howlett & J. Tosun (Eds.) *the Routledge Handbook of Policy Styles*. London: Routledge. Preprint Version.
- Henderson, J. D. (2021). Entrepreneurial posture in communications: entrepreneurial orientation (EO) analysis in financial communications with computerassisted text analysis combined with EO custom dictionaries, natural language processing, and machine learning (Doctoral dissertation, University of British Columbia). 14(2).114127.
- Kraft, M. E., & Furlong, S. R. (2020). *Public Policy: Politics, Analysis, and Alternatives*: Cq Press.
- Kumar, A., Choudhary, S., GarzaReyes, J. A., Kumar, V., Rehman Khan, S. A., & Mishra, N. (2023). Analysis of critical success factors for implementing industry 4.0 integrated circular supply chain—Moving towards sustainable operations. *Production planning & control*, 34(10), 984998.
- Lukeš, M., Longo, M.C., & Zouhar, J. (2019). Do business incubators really enhance entrepreneurial growth? Evidence from a large sample of innovative Italian startups. *Technovation*, 82, 2534.
- Laihonen, H., Kork, A. A., & Sinervo, L. M. (2024). Advancing public sector knowledge management: towards an understanding of knowledge formation in public administration. *Knowledge Management Research & Practice*, 22(3), 223233.
- Orgill, M., Marchal, B., Harris, B., & Gilson, L. (2024). Initiating systemic capacity development for leadership from the bottomup: a realist evaluation of a leadership innovation in a South African health district. *Health Policy and Planning*.
- PadillaPérez, Y. Gaudin.(2013). Science, technology and innovation policies in small and developingeconomies: The case of Central America. *Research Policy*.11(10).115130.
- Robertson, J., Pitt, L., & Ferreira, C. (2020). Entrepreneurial ecosystems and the public sector: A bibliographic analysis. *SocioEconomic Planning Sciences*, 72(4).111124.
- SevillaBernardo, J., SanchezRobles, B., & HerradorAlcaide, T. C. (2022). Success factors of startups in research literature within the entrepreneurial ecosystem. *administrative sciences*, 12(3), 102.
- Shahmoradi, G. A., Torabi, T., Radfar, R., & Cheraghali, M. H. (2024). Designing a model for determining the level of technological complexity of research and development activities in knowledgebased companies. *International Journal of Nonlinear Analysis and Applications*.
- Samadi, M., Mirnezami, S. R., & Khargh, M. T. (2023). The impact of organizational capabilities on the international performance of knowledgebased firms. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 9(4), 100163.

- Sager, F., & Hinterleitner, M. (2022). The politics of policy implementation: a reassessment in more conflictual times. In *Handbook on the Politics of Public Administration* (pp. 102113): Edward Elgar Publishing.
- Theocharis, S., & Tsihrintzis, G. A. (2023). Representation and Knowledge Management for the Benefit of eGovernment—Opportunities Through the Tools of the Semantic Web. In *Semantic Knowledge Modelling via Open Linked Ontologies: Ontologies in EGovernance*. 115(18).125206.
- Wagner, N., Velandar, S., BiberFreudenberger, L., & Dietz, T. (2023). Effectiveness factors and impacts on policymaking of sciencepolicy interfaces in the environmental sustainability context. *Environmental Science & Policy*, 140(6), 5667.